

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: فدریکو پیراچینی*
برگردان از: حمید بهشتی
۱۲ فیبروری ۲۰۲۰

پشت پرده قتل سلیمانی

چند روز پس از قتل سردار سلیمانی اطلاعات تازه و مهمی در یکی از سخنرانی های نخست وزیر عراق ابراز می گردد. داستان پشت پرده قتل سلیمانی از قرار معلوم عمیق تر از آن است که تا کنون گزارش شده است، زیرا هم به عربستان سعودی و چین مربوط است و هم به نقش دالر به مثابه ارز ذخیره.



بزرگداشت سلیمانی در میدان ولیعصر در تهران

نخست وزیر عراق، عدیل عبدالمهدی در یکی از سخنرانی های خود در مقابل مجلس این کشور جزئیاتی را در باره تعامل خویش با ترمپ در هفته پیش از قتل سلیمانی بر ملا می سازد. او بارها کوشیده در تلویزیون توضیح دهد چگونه واشنگتن وی و سایر نمایندگان مجلس را زیر فشار نهاد تا اهداف امریکا را به واقعیت تبدیل کنند و حتا آنها را تهدید نمود به ترتیب دادن تیراندازی به سوی تظاهر کنندگان و پرسنل امنیتی به منظور حادثه نمودن اوضاع. به عملیات مشابهی، به گفته ترمپ، با آنچه در ۲۰۰۹ در قاهره، ۲۰۱۱ در لیبیا و ۲۰۱۴ در میدان انجام شده بود. قصد او از یک چنین کاری افکندن عراق به اغتشاش بود.

بازگویی داستان بدین قرار است:

گوینده مجلس عراق، محمد الخلیوزی، در جلسه مجلس شرکت نمود، در حالی که تقریباً هیچ یک از نمایندگان سنی شرت نداشتند. به این دلیل که امریکائی ها مطلع شده بودند که عبدالمهدی قصد داشت در جلسه آن روز اسرار حساسی را بر ملا سازد و او را فرستادند تا از این کار جلوگیری کند. حلبوسی در آغاز سخنرانی بیان المهدی را قطع کرد و درخواست نمود که از پخش زنده آن جلسه جلوگیری شود. سپس حلبوسی با چند تن

دیگر از نمایندگان نزد المهدی آمده و به صراحت بدو گفتند که این ها ضبط شده است و موضوع در جلسه ای که دیگر پخش نمی شد مورد بحث قرار گرفت.

عبدالمهدی با خشمگینی در این باره سخن گفت که چگونه امریکائیان کشور را به مخروبه ای تبدیل نموده اند و اکنون نیز از این که پروژه هائی را برای تجدید زیرساخت ها و شبکه برق تقبل نمایند، در صورتی که عراق حاضر نباشد ۵۰ درصد درآمد نفت خود را به آنها بدهد، خودداری می کنند که عبدالمهدی هم آن را رد کرده است.

ترجمه کامل سخنان عبدالمهدی در مقابل مجلس:

به همین دلیل من به چین رفتم و قرارداد مهمی را با آنها امضاء نمودم تا که آنها آن پروژه ها را تقبل نمایند. پس از بازگشتم ترمپ به من زنگ زد و از من خواست که این قرارداد را فسخ کنم و پس از آن که خواست او را رد کردم، تهدید کرد، تظاهرات عظیمی علیه من ترتیب خواهد داد تا زمان مسؤولیتم به عنوان رئیس دولت پایان یابد.

تظاهرات برزگی علیه من به راه افتاد و ترمپ مجدداً به من زنگ زد و تهدید کرد که اگر به خواسته های او تن ندهم دستور خواهد داد تیراندازان ماهر نیروی دریائی امریکا از سقف ساختمان های مرتفع بر روی شرکت کنندگان تظاهرات و پرسنل امنیتی شلیک کنند تا مرا تحت فشار قرار دهد.

من باز هم زیر بار نرفتم و استعفای خود را مطرح نمودم. تا امروز هم امریکائی ها بر این اصرار دارند که ما قراردادمان با چینی ها را لغو کنیم.

سپس زمانی که وزیر دفاع ما علناً اعلام نمود که نیروی سومی، هم بر روی تظاهرکنندگان و هم بر روی پرسنل امنیتی تیراندازی می کند (همانطور که ترمپ تهدید کرده بود) مجدداً از جانب ترمپ تماس تلفونی گرفته شد با این تهدید که من و وزیر دفاع را اگر ما همچنان در باره این نیروی سوم صحبت کنیم، خواهند کشت.

هیچ کس نمی توانست تصور کند که این تهدید در مورد سردار سلیمانی عملی شود. اما برای نخست وزیر، عدیل عبدالمهدی، هفته ها مشکل بود مقدمات پیش زمینه آن ترور را افشا نماید.

روز بعد قرار بود من او را (سلیمانی) ملاقات کنم. همان روزی که او به قتل رسید. او آمده بود برای دادن پیامی از ایران در پاسخ پیامی که ما به ایرانیان از جانب سعودی ها نقل کرده بودیم.

اگر بخواهیم با توجه به عکس العمل سعودی های بنگریم، می توان گمانزنی کرد که میان تهران و ریاض گونه ای از مذاکره در جریان بوده است.

بیانیه سلطان نشین مزبور در باره وقایع عراق، نظر آنها را که چه قدر آرام نمودن اوضاع برای آنها مهم است نشان می دهد، با این هدف که کشورهای منطقه و مردم آنها را از خطراتی که شدت گرفتن اوضاع دارد مصون نمایند.

بیش از همه، دربار سعودی قصد داشت به مردم اطلاع دهد که از عملیات امریکا اطلاعی نداشته اند.

با عربستان سعودی در اقدام امریکا مشورت نشده بود. سلطان نشین مزبور با توجه به سرعت اتفاقات تأکید می کند که چه قدر کوشش در خودداری اهمیت دارد تا خود را از کارهائی که می توانند به وخیم تر شدن اوضاع بینجامند حفظ نمود.

محمد بن سلمان برای تأکید بر انزجار خود از جنگ، هیأتی را به ایالات متحده آمریکا فرستاد. "لیز سلائی"، سردفتر واشنگتن پست در بیروت، توییتی بدین مضمون زد:

عربستان سعودی هیأتی را به واشنگتن می فرستد، تا به نمایندگی از جانب کشورهای خلیج فارس (امریکا را) به خودداری در قبال ایران فراخواند. پیام او این خواهد بود: لطفاً ما را از رنج حاصل از شرکت در جنگ دیگری معذور دارید.

چیزی که به روشنی قابل تشخیص است این است که موفقیت عملیات قتل سلیمانی هیچ ربطی به جمع آوری اطلاعات توسط امریکا یا اسرائیل نداشته است. همه و تک تک آنها این را می دانستند که سلیمانی در نقشی دیپلماتیک راهی بغداد شده بود و بر کوشش های عراق برای حل بحران منطقه با عربستان سعودی آگاه بود.

از قرار معلوم سعودی ها، ایرانیان و عراقی ها به بهترین نحو در راه جلوگیری از درگیری میان سوریه، عراق و یمن بودند. عکس العمل ریاض در قبال اقدام امریکا به هیچ وجه رضایت آمیز نبود. قطر علی رغم این که در بسیاری از موارد با ریاض توافق نداشت، فوراً همبستگی با تهران را اعلام نموده، دیداری را در بالاترین سطح دولتی با وزیر خارجه ایران، محمد ظریف، برگزار نمود. حتی ترکیه و مصر نیز در تفسیرهای خود از سوء قصد نسبت به سلیمانی میانه روی کردند.

این می تواند نشانگر بیمی باشد که از منجر گشتن به اقدام تلافی جویانه ایران جلوگیری نماید. قطر، کشوری که از آنجا پهپادی که سلیمانی را کشت به پرواز درآمد، در فاصله سنگ پرانی از ایران در آن سوی تنگه هرمز قرار دارد. ریاض و بیت المقدس که دشمنان منطقه ئی تهران باشند، هر دو می دانند که درگیری نظامی با ایران برای عربستان سعودی به معنی پایان سلطنت آل سعود خواهد بود.

اگر سخنان نخست وزیر عراق در ارتباط با سیاست های جغرافیائی و نفت قرار گیرند، آنگاه تصویر تشویش آمیزی از شلاق اضطراری امریکا به نظر می رسد، بر جهانی که از حاکمیت تک قطبی به حاکمیت چندقطبی در حرکت است. در این باره من (نویسنده) چندین مطلب نوشته ام.

امریکا که خود را به سبب انقلاب نفت شیل (Shale) که هنوز داوری در باره آن قطعی نیست، در نقش صادر کننده اصلی نفت می بیند، دیگر نیازی به واردات نفت از خاورمیانه ندارد. اما این بدان معنی نیست که اکنون دیگر نفت با ارزش دیگری غیر از دالر معامله خواهد شد.

دالر نفتی باعث آن است که دالر امریکا موقعیت خویش را در نقش ارزش ذخیره حفظ نماید و به امریکا موقعیت انحصاری می دهد تا بهره برداری بسیار از تسلطی که بر منطقه دارد، کند.

این موقعیت برتر و در اختیار داشتن ارزش ذخیره موجب می گردد که امریکا بتواند ماشین جنگی خویش را تأمین مالی نماید، زیرا بخش بزرگی از جهان مجبور است اوراق وام دولتی امریکا را که امریکا می تواند بدون کار و زحمت به چاپ رساند اکتفا نماید. به خطر افکندن این مقررات مزیت بار به معنای به خطر افکندن قدرت جهانی واشنگتن است.

با اینحال روند سیاست و اقتصاد جهانی به سوی نظام جهانی چندقطبی پایا است و در آن چین نقش رهبری فزاینده ای را بر عهده می گیرد، به ویژه در خاورمیانه و امریکای جنوبی.

ونزوئلا، روسیه، ایران، عراق، قطر و عربستان سعودی با هم اکثریت قاطع نفت و گاز جهان را دارند. سه کشور اولی دارای ارتباط خوبی با بیجینگ بوده و در جبهه چند قطبی قرار دارند که مورد تأیید روسیه و چین است، زیرا آنها می خواهند رشد آتی سوپر قاره اروپا-آسیا بدون جنگ و درگیری تأمین شده باشد.

اما عربستان سعودی که طرفدار امریکاست می تواند هم به لحاظ نظامی و هم به لحاظ انرژی به جانب جبهه چینی- روسی حرکت نماید. نظیر همین روند در مورد عراق و قطر- به میمنت اشتباهات مکرر ستراتیژیک واشنگتن در منطقه - در جریان است که با عراق در ۲۰۰۳ آغاز گشت و با لیبیا در ۲۰۱۱ و سوریه و یمن در سال های اخیر ادامه یافت.

قرارداد میان عراق و چین مثال خوبی است برای این که چگونه بیجینگ از سه کشور عراق، ایران و سوریه برای تجدید حیات و بنای کمربندی جاده چین و جذب خاورمیانه بدان استفاده می نماید.

در حالی که دوحه و ریاض اولین مراکزی هستند که بیش از همه از این قرارداد لطمه می بینند، اقتصاد بیجینگ آنچنان قوی است که با روند برد - برد همه در آن جای دارند.

عربستان سعودی چین را به لحاظ بخش بزرگی از نفت مورد نیازش تأمین می نماید و قطر و فدراسیون روسیه بزرگترین بخش نیاز چین را به گاز مایع که با طرح چی جین پینگ، به قصد کاهش شدید دودهای سمی، برای ۲۰۳۰ هماهنگی دارد.

در این تصویر امریکا جایی ندارد، زیرا به ندرت از این امکان برخوردار است که بر وقایع جاری تأثیر نهاد یا بدیل های اقتصادی عرضه نماید.

واشنگتن می خواهد با ایجاد اغتشاش و تلاشی در منطقه از هر تجانس اروپا- آسیائی جلوگیری نماید. کشتن سلیمانی در خدمت همین هدف بود. امریکا نمی تواند بپذیرد که دالر به عنوان ارز ذخیره نقش خویش را ببازد. ترمپ قمارباز، به بن بست رسیده و این می تواند موجب عواقب فاجعه باری گردد.

در بدترین حالت ممکن است تمامی منطقه به جنگ خانمان سوزی دچار گردد که چندین کشور را در بر خواهد گرفت. پالایشگاه های نفت در تمام منطقه متلاشی شده، انتقال یک چهارم نفت گیتی مسدود گشته، بهای نفت به شدت بالا رفته (۲۰۰ تا ۳۰۰ دالر در ازای هر بشکه) و دهها کشور دچار بحران مالی جهانی گردند. تقصیر آن مستقیماً پای ترمپ نوشته خواهد شد و موجب افول شانس انتخاب مجدد وی خواهد گشت.

به خاطر این که واشنگتن همه را در این وضعیت منفعل نماید، برایش امکان تروریسم، دروغ گفتن و تهدید های نامشخص که چه دوست و چه دشمن را شامل خواهد گشت باقی می ماند.

ظاهراً کسی ترمپ را قانع کرده است که امریکا بدون خاورمیانه نیز موفق بوده و می تواند از متحدین خود در منطقه چشم پوشی نماید و هرگز احدی در منطقه جرأت نخواهد کرد نفت خود را به ارز دیگری غیر از دالر بفروشد.

مرگ سلیمانی حاصل علایق مشترک امریکا و اسرائیل است. از آنجائی که هیچ امکان دیگری برای پیشگیری از به هم پیوستگی اروپا- آسیائی وجود ندارد امریکا فقط می تواند منطقه را به هرج و مرج کشاند، از این راه که کشورهایمانند ایران، عراق و سوریه را که برای پروژه اروپا- آسیائی دارای اهمیت محوری می باشند، هدف قرار دهد. البته اسرائیل هرگز دارای این توان یا جسارت نیست که خود یک چنین سوء قصدی را ترتیب دهد، اما اهمیت لابی اسرائیل برای موفقیت ترمپ در انتخابات بر تصمیم گیری او تأثیر گذار است، به ویژه در سال انتخاباتی.

ترمپ فکر می کرد که ضربه پهبادی او تمام مشکلاتش را بتواند حل نماید، با ترساندن مخالفانش که موجب طرفداران بیشتری برای او در انتخابات خواهد بود (با معادل قرار دادن قتل سلیمانی با کشتن اسامه بن لادن) و بدین صورت به کشورهای عربی از خطرات ناشی از ارتباط آنها با چین اخطار دهد.

کشتن سلیمانی شلاقی است که امریکا با آن در قبال تضعیف دائمی نفوذش در منطقه عکس العمل نشان می دهد. کوشش عراق برای ایجاد صلح دائمی میان ایران و عربستان سعودی با تصمیم قاطعانه امریکا و اسرائیل که مانع صلح در منطقه گشته و به جای آن بر اغتشاش و بی ثباتی افزوده است، بی اثر گشت. واشنگتن موقعیت سلطه خویش را از طریق علاقه به دیپلماسی و مذاکره آرام به دست نیاورده است و ترمپ نیز قصد ندارد این رویکرد را رها نماید. دوستان و دشمنان واشنگتن باید این واقعیت را به رسمیت شناسند و به اقدامات متقابل دست زنند تا که این جنون پایان یابد.

فدریکو پیراچینی در ۸ جنوری ۲۰۱۰ در

<https://www.strategic-culture.org/news/2020/01/08/the-deeper-story-behind-the-assassination-of-soleimani/>